بسم الله الرحمان الرحيم

وزارت علوم، تحقیقات وفناوری

دانشکده هنرهای کاربردی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته : نقاشی

عنوان رساله نظری:

بررسی پنج خمسه نظامی(چاپ سنگی) دوره قاجار

استاد راهنما :
دکتر مهدی حسینی
استاد مشاور :
مریم لاری

عنوان رساله عملی :

ارایه ۱۲ اثر نقاشی بر اساس «خمسه نظامی»

نگارش، تحقیق و ترجمه:
ناهید کاظمی

آذر ۱۳۸۶

با نهایت سپاس از زحمات استادبزرگوارم جناب آقای مهدی حسینی و تشکر فراوان از
استاد گرامی سرکار خانم مریم لاری
که از راهنمایی های بیدریغشان بهره‌مند شدم.

فهرست

عنوان
چکیده
مقدمه
فصل اول :قاجاریه..... ۹
قاجاریه ۱۵
نقاشی قاجار..... ۱۸
معروفترین نقاشان دورهٔ قاجار..... ۲۲
مقایسهٔ نقاشی دورهٔ قاجاروصفویه..... ۲۹
هنر قاجارومنتقدین ۵۹
فصل دوم :نظامی..... ۶۴
فصل سوم :چاپ سنگی..... ۷۴
روش کار چاپ سنگی..... ۷۴
تصویرسازی در چاپ سنگی..... ۷۶
گزارشی از چاپ سنگی دوره قاجار..... ۷۷
فصل چهارم :معرفی۵خمسه نظامی دوره قاجار ۹۷
فصل پنجم :تجزیه و تحلیل..... ۱۷۷
فصل پنجم:پروژه عملی ۲۱۲

چکیده

پژوهش حاضر، باتأکید برفضای هنری دوره قاجاربه معرفی پنج نسخه چاپ سنگی که دربدوو رودچاپ سنگی به عنوان یک رسانه جدید در ایران، تصویرسازی شده می پردازد. دوره سیزدهم هجری قمری از دوره های متکثر فرهنگی درایران زمین به شمار می آید.

دراین دوره علاوه برنگارگری،نقاشی ورنگ وروغن،عکاسی و...نمونه های بسیار درخشانی از طراحی و ترکیب بندی درقالب چاپ سنتی (لیتوگرافی) از ادبیات کهن این مرزوبوم به تولید و تصویر درآمده است.

دراین رساله تلاش خواهد شد تابانگاهی کلی، پنج خمسه نظامی که در سده سیزدهم هجری –قمری کتابت و تصویرگری شده معرفی گردد.

مقدمه

قاجاریه در ایران از ســال ۱۲۱۰هــق (۱۷۹۴م) یعنی زمان تاجگذاری آقامحمدخان در تهران آغاز گشــت.همانطور که در صفحات بعد این پژوهش می‌خوانیم قاجاریه دوره ای است که ایران از لحاظ سیاســی و اقتصادی وســایر جنبه های اجتماعی آرامش نداشت و مورد تهاجم بود . طبیعی است که همه این نابسامانی هاواتفاقات بر هنر این سرزمین تاثیر خود را گذاشته است .دوره ای پر از معاهده های ننگین سیاسی واقتصادی ...

پادشــاهان قاجار که در برابر تمام دســایس بیگانگان سکوت کرده و گاهی همکاری مستقیم نیز در اجرای طرح‌های‌آنها می‌نمودند .آن‌هاعملاً آب به آسیاب بیگانه‌می‌ریختند

به طور کلی تفاوتهایی که بین آثارهنری دوره های مختلف، درهر قوم وکشوری اتفاق می آید ؛ناشــی از جریانات سیاسی، اجتماعی وتحولاتی اســت؛ که درزندگی هنرمندان تاثیر مستقیم دارد.

درســت به موازات نفوذ هرچه بیشــتر غربیان در این دوره درایران ،نقاشی نیز دستخوش این بازیهــا گردیــد و تقلید کور و بی‌پایه از شــیوه غربی و جایگزین کــردن و دخالت دادن آن با شیوه‌ای که قبلاً در نقاشی ایرانی انجام می‌شد؛ معجونی قابل هضم و غریب ساختند تا با خیال خود نقاشی دوره صفوی را احیا کنند.

مدارک و شــواهد موجود،جملگی حاکی از این اســت ؛که اغلب نقاشان این دوره وابسته به دربار و فرمانبر دربار بودند و در این رابطه از آن جا که پادشــاهان قاجار غالباً خود نخســتین شــیفتگان زندگی غربی بودند؛ بدیهی بود که نقاشــان نیز همراه با اعمال سلیقه درباریان و نیز شــرایط خاص که در آن قرار داشــتند، به این روش تمایل پیدا کرده و آگاه یا ناآگاه دست به کاری زدند که محصول آن جز سقوط چیز دیگری نبود.

هنرقاجار، در سطحی دیگر، تحول سنت‌گرایی به تجددخواهی را نیز منعکس می‌کند.

دراین دوره سنت بومی تصویرپردازی مثالی ،جای خود را به تقلید از شیوه طبیعت نگاری اروپایی می‌دهد. دلیل این دگرگونی هنری را در متن تاریخ قاجار باید جست. از دومین تا چهارمین سلطنت قاجار هم سلیقه و علاقه حامی تغییر کرده بود و هم وظیفهٔ هنرمندان مورد حمایت او. (اگر فتحتعلی‌شاه احیای سلطنت و فرهنگ درباری سنتی را به وسیلهٔ شعرو

نقاشی و مجسمه تبلیغ می‌کرد، ناصرالدین شاه به تصویری از پادشاهی میدان می داد که تجدد را با محافظه‌کاری آمیخته بود.)تأثیرات روسی و گرجی در کار نقاشان عباس میرزا، اقتباس‌های نقاشان عهد محمدشاه و ره‌آوردصنیع‌الملک از ایتالیا، سرانجام به شکل گیری سبک رسمی جدید منجر شد. بدین‌سان، نقاشی به شیوهٔ آکادمیک اروپایی جای پیکرنگاری درباری را گرفت و نقاشان همه ذوق و استعداد خویش را وقف شبیه‌سازی از اشخاص، اشیا و مناظرکردند. چنین بود که مهارت نقاشان در واقع‌نمایی ،ملاک ارزیابی کار آنها شناخته شد و نقاشان نیز هرچه بیشتر در کسب این مهارت کوشیدند. رایج‌ترین روش برای کسب مهارت، رونگاری از باسمه‌های اروپایی بود،زیرا چنین تصور می‌شدکه با این کار می‌توان با نقاشان اروپایی رقابت کرد.بسیاری از گونه‌های هنری این دوره هنوز ناشناخته مانده و ارتباط لازم و ارگانیک با هنر ایرانی و جهانی پیش و پس از خودپیدا نکرده است. خلاء در این زمینه خود یکی از عواملی است که ریشه هنرمعاصر ایران را سست وضعیف کرده و از زمینه تاریخی و معاصر خود گسسته است. فقط با یادآوری انواع و گونه‌های مختلف نقاشی دوران قاجار، می‌توان به اوجگیری هنر این دوره پی برد:

نگارگری سنتی، نقاشی رنگ و روغن روی بوم شامل پیکر نگاری درباری ، چهره‌نگاری ومنظره نگاری: دیوارنگاری، نقاشی قهوه‌خانه ای ، نقاشی عامیانه و مذهبی پشت شیشه وبقاع متبرکه، نقاشی لاکی موضوع‌دار یاگل و مرغ تزیینی روی کاشی و قلمدان و اشیاءدیگر، انواع آثار گرافیک شامل طراحی، کاریکاتور، چاپ سنگی (لیتوگرافی) و گراوورسازی که ابتدا تحت عنوان باسمه سازی وسپس چاپ در ایران متداول شدند، وبالاخره هنر طبیعتگرا و آکادمیک اواخر دوره قاجار که برپایه آشنایی بااصول ژرفا نمایی و حجم‌پردازی استوار بود. همه این گونه‌ها و شیوه‌ها وتکنیک‌های مختلف کهنه و نو، عامیانه و آکادمیک قاجار ، موضوعات عالی و بکری برای پژوهش به شمارمیروند.

واقعیت این است که نقاشی قاجار در نتیجه تلفیق عناصر ایرانی و اروپایی؛ در شاخه‌های مختلفی چون پیکرنگاری و چهره‌نگاری درباری، منظره و دورنماسازی، تقریباً به نسبت‌های مختلف خصلتی نایبو و خامدستانه به خود می‌گیرد و این ویژگی بالاخره در نقاشی قهوه‌خانه

و پشت شیشه به سبک و بیان اصلی کار تبدیل می‌شود. شاید یکی از دلایلی که هنر قاجار تا مدت ها از نظر منتقدین غربی کم‌ارزش تلقی می‌شد همین بود که منابع مهم نقاشی نائیو یعنی نقاشی کودکانهٔ هنر قومی و هنر دیوانگان، در خود اروپا نیز تنها از نیمه های قرن بیستم به صورت یک بیان مهم و مستقل هنری، مورد توجه قرار گرفت.

انتقادات دیگر از سوی منتقدین ایرانی، حاکی از آن است که هنر قاجار تا زمان صنیع‌الملک و محمودخان، هم رنگ و بوی نگارگری ایرانی، و هم نشانه‌های پیشگویانه‌ای از امپرسیونیسم اکسپرسیونیسم و کوبیسم سال‌های بعد اورپا را داشت. اما در اثر تحکیم و گسترش سبک طبیعت‌گرای کمال‌الملک، نتوانست به موقع و با حفظ ویژگی‌های ملی به هنر مدرن جهانی وصل شود. در نتیجه از یک سو هنر گذشته ایران برای همیشه از بین رفت و از سوی دیگر هنر مدرن ایران ضربه اساسی خورد و دیگر نتوانست مسیر ویژه خود را دنبال کند.

اما هدف نگارنده دراین پژوهش بررسی نقاط ضعف وقدرت هنر دوره قاجار نیست، در این پژوهش ابتدا سعی شده شمایی از اوضاع هنری دوره قاجار؛گزارش کوتاهی از اوضاع سیاسی،اقتصادی ایران در این دوره ،مقایسه نقاشی دوره قاجار با دوره صفویه ودیدگاههای معاصرین در مورد قاجاریه بررسی شود .در بخش بعدخلاصه ای از زندگی نظامی وآثار اوآمده.از آنجا که مهمترین تحولی که در دوره قاجار اتفاق افتاد ورود ابزار جدید چاپ بود در بخش بعد به معرفی چاپ سنگی پرداخته شده وگزارشی از چاپ سنگی این دوره ارائه گردیده است .

در واقع هدف اصلی نگارنده از انجام این تحقیق‌معرفی ۵ نسخه با ارزش‌چاپ سنگی‌از خمسه نظامی است که‌همزمان با ورود این رسانه جدیدتصویرگری‌شده‌واکنون در کتابخانه‌ملی می‌باشد.

در این‌پژوهش سعی بر این است که نشان‌داده شودکه این رسانه جدید تا چه حدودی فضای نقاشی ایرانی را دستخوش تغییر ودگرگونی کرده است.

همچنین‌کدام‌ویژگی‌نقاشی ایرانی با ویژگی های چاپ سنگی‌مطابقت‌بیشتری‌داشته‌است ودر پایان سعی بر این است که به صورت‌کلی ارزشهای تصویری وبصری این نسخه‌های خمسه نظامی را یادآور شود وهمچنین تلاش می شود با خمسه هایی که دردوره‌های قبل‌از

قاجاریه‌کار شده‌مقایسه‌ای کلی انجام شود.متاسفانه اطلاعات در مورد نقاشان خمسه های دوره قاجار در دست نیست .معروفترین آنها علی قلی خویی است که نسخه خمسه نظامی او شاهکاری هنری است و اشاره کوتاهی هم به زندگی وآثاراین هنرمند ایرانی شده است .در فصل آخر به نتیجه گیری پرداخته می شود.در تالیف این‌اثر از کتب ومنابع گوناگون بهره گرفته شده است.

به هر تقدیر، نوشتار حاضرحاصل تلاش چند ماهۀنگارنده است ؛که خود پیشاپیش بر نقاط ضعف آن معترف است وامیدواراست این تلاش کوچک راهگشای سایر محققین در پژوهش های آینده باشد.

قاجاریه

قاجاریه

دوران حکومت قاجار که حدوداً از سال ۱۲۱۰ آغاز و تا سال ۱۳۴۳ ه ق (۱۷۹۴ تا ۱۹۲۵م) ادامه می‌یابد مقارن با شروع تحولات وسیع در زمینه‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی در اروپاست.

حکومت قاجارها در ایران باتاجگذاری آقامحمدخان در تهران آغاز گشت. باید گفت که دوران حکومت این خان قاجار، بیشتر به تصرفات و قتل و غارت مردم در شهرها و نواحی مختلف ایران گذشت؛ از این رو دربار او چندان نقاشان را مجال کار نبود و آثار چندانی از این دوره در دست نیست.

«پادشاهان قاجار به دلیل عدم درک سیاسی و به دنبال آن نداشتن هیچ‌گونه خط‌مشی مشخص در امر زمامداری و سلطنت و از طرفی متکی نبودن به نیروی مردمی، به شدت بازیچه و آلت‌دست سیاستمداران و استعمارگران بین‌المللی آن روزگار قرار گرفتند. آن‌ها که هیچ تعهدی جز حفظ تاج و تخت و گذراندن روزگار به عیش و نوش و خوش‌گذرانی نداشتند،با سیاستهای غلط خود در شرایطی که اروپا روزبروز رو به پیشرفت و ترقی صنعتی بود،ایران را به انحطاط کامل کشاندند و گاهی حتی برای تأمین منافع اروپائیان پیش‌قدم نیز می‌شدند.»

پادشاهان قاجار که در برابر تمام این دسایس مهر سکوت برلب نهاده و گاهی همکاری مستقیم نیز در اجرای این طرح‌ها می‌نمودند؛ عملاً آب به آسیاب بیگانه ریخته،جالب توجه این که درست به موازات نفوذ هرچه بیشتر غربیان در این دوره در کشورمان ،نقاشی نیز دستخوش این بازیها گردید و تقلید کور و بی‌پایه از شیوه غربی و جایگزین کردن و دخالت دادن آن با شیوه‌ای که قبلاً در نقاشی ایرانی انجام می‌شد؛ معجونی قابل هضم و غریب ساختند تا با خیال خود نقاشی دوره صفوی را احیا کنند.

علت تطابق دقیق نفوذ شیوه غربی در نقاشی و نیز در بعد سیاسی و اجتماعی آن واضح است. مدارک و شواهد موجود جملگی حاکی از این است که اغلب نقاشان این دوره وابسته به دربار و فرمانبر دربار بودند و در این رابطه از آن جا که پادشاهان قاجار غالباً خود نخستین

---

۱ – نصیری ،حسین،بررسی نقاشی معاصرازدوران قاجارتاسلطنت رضاخان‌دررابطه‌باتحولات سیاسی‌واجتماعی ،کارشناسی نقاشی ،تهران،۱۳۵۸

شـــیفتگان زندگی غربی بودند، بدیهی بود که نقاشـــان نیز همراه با اعمال سلیقه درباریان و نیز شـــرایط خاص که در آن قرار داشـــتند؛ به این روش تمایل پیدا کرده و آگاه یا ناآگاه دست به کاری زدند که محصول آن جز سقوط چیز دیگری نبود.

«دوره صفویـــه پا یان کار ســـرافرازی تاریخـــی ایران و دوران قاجار آغاز فروپاشـــی و تجزیه جغرافیای جهان ایرانی است .ویژ گی دوران صفویه در پی باز سازی سیاسی و فرهنگی ایران در ادامه تلاش فکری چند نســـل پی در پی متفکران و از آن جمله خاندان شـــیخ صفی الدین ار دبیلی و وجود پتانســـیل ها و نیروهای حیاتی فرهنگ ایرانی به وقوع پیوست .اندیشه طرح و اجرای میدان نقش جهان به ابعاد ۵۰۰×۱۶۰متر که بزرگترین میدان شـــهری در تاریخ آنروز جهان محســـوب می‌شـــد در حدود ســـال ۱۰۰۰ هجری در رأس یک هزاره تاریخی که مبدأ زمانی مقرســـی برای فرهنگ ایرانی محســـوب می شده؛ آغاز گشت .بدینرو که آمدن هزاره بر طبق آئینی کهن ، زمان ظهور را نوید می داد. این آخرین باریســـت که ایرانیان در تاریخ خود یادمانی در رأس هزاره ای تاریخی خطاب به عالم بشـــری (باتوجه به نام نقش جهان) بجای نهاده اند»[۲]

در ارتباط با شرایط اقتصادی و اصلاحات اجتماعی وتغییراتی که در این زمینه در دوره قاجار اتفاق افتادگفته‌شده:

«ســـاختارهای بسیار پیچیده سرمایه‌داری در شرف تکوین بود، و زمان ظهور مکنتاش تا قرون بعد. تجارت راه جهانی شـــدن را تجربه می‌کرد و کشتی‌های غول‌پیکر، راه‌های کهن تجاری، از جمله راه ابریشـــم را به انزوا و ویرانی بدل ســـاخته بودند. هرگونه تصمیم برای اصلاحات اجتماعـــی و ورود به عرصه جهانی فرهنگ بدون حضـــور در تجارت جهانی، دیگر از همین زمان امری محال می‌نمود. کشورهای قدرتمند جهان آنروز با زیرساخت اقتصاد **پلنتوکراتیک** به ثروتی هنگفت و باورنکردنی دســـت یافته بودند، و از این زمان است که نیروی دریایی در جهان گوینده و مجری آخرین حرف در دیپلماســـی گشـــت. نیرویی با هم آئینی و همســـویی دولت‌هـــا، تجـــار و دزدان‌دریایی که به قدرتی غیرقابـــل تصور برای ملت‌های ســـنتی تبدیل می‌شد، دیگر زمانه‌ای از راه رسیده بود که دزدان دریایی نیز دانشگاه تأسیس می‌نمودند، مانند

---

۲ – دادبه، آریاسب ،روح زمان وروح هنر قاجار،حرفه هنرمند ،شماره۱۳

«الیهوییل» دزد دریایی اقیانوس هند که با برادرش توماس بیل که مسئول کمپانی هند شرقی در سیام بود به دزدی، غارت و تجارت تریاک مشغول بود. این دزد، مؤسس دانشگاهی است که به نام او دانشگاه ییل (yale) نام گرفته است. و یا جان‌ها کینز که او را از بزرگترین تجار برده می‌شناسند، با ملکه الیزابت در کار راهزنی دریایی مشارکت داشت و از او لقب (سر) گرفت؛ به سگ درنده الیزابت در دریاها معروف بود. یکی از سرمایه‌گذاری‌های بعدی بنیاد او تأسیس دانشگاهی است بنام خودش، دانشگاه جان‌هاوکینز.

فارغ‌التحصیل‌های این دانشگاه ها باید چرخ نیرومند صنایع و اقتصاد جهانی را که در شرف ورود به عرصه‌های باورنکردنی بود به گردش می‌آوردند. انقلاب صنعتی به همراه مونوفکتورهای عظیم و حق ثبت اختراعات و اکتشافات، با سرمایه کلونیالیسم و پلنتوکرات‌ها و نظام بانکداری غرب، سرمایه عظیمی را ایجادمی‌نمود. یک «دارالفنون» در خیابان ناصریه و به همراه چند عدل کالا بر پشت شتران، دیگر جایی برای ابراز وجود نمی‌یافت، آخرین تجارت‌خانه‌های ایرانی مستقر در بندر بوشهر که تنها مبادله‌ای با هند داشتند نیز تحت سیطره و نفوذ کمپانی هندشرقی و تجارت‌خانه‌های پارسیان هند که به دلایلی به باشگاه تجارت جهانی راه یافته بودند،هستی خود را از دست دادند.

دوران صفوی آخرین دوره حیات تجاری ایران محسوب می‌شود، شاه‌عباس خود یک تاجر جهانی بود؛ در اصفهان و کاشان کارگاه‌های بسیاری برای تولید دست بافته‌های گرانقیمت و دیگر آثار نفیس ایجاد نمود و خود مستقیماً با تجار هلندی و انگلیسی داد و ستد می‌نمود. و نیز با ساختن ده‌ها رباط و کاروانسرا، آخرین کسی بود که توانست راه ابریشم را احیاء کند. اما پس از این دوران، با غلبه راه‌های دریایی و عدم توان مشارکت ایران و از طرفی به جهت خط‌مشی زاهدانه تکفر اسلامی که اصولاً نمی‌توانست دنیوی باشد، شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد. چنانچه ماکس وبر نیز توضیح می‌دهد، اصولاً اسلام و مسیحیت کاتولیک به لحاظ بنیادهای دینی خود نمی‌توانستند به جهان سرمایه‌داری وارد شوند و این تنها تفکر پروتستان بود که زمینه‌های چنین جهش اقتصادی را می‌توانست از هلند قرن ۱۷ میلادی پدید آورد. شکست ایران در دو جنگ پیاپی قفقاز نیز زیرساخت اقتصادی ایران را بسی بیشتر

نابــود ســاخت؛ و از طرفی امنیت اقلیت‌های دینی و انتقــال تجارت‌خانه‌های آنها به بیرون از ایران نیز مزید بر علت شد، نباید نادیده بگیریم که رونق هنر در دوران جدید یعنی دورانی که ســرمایه بر فضیلت فزونی یافته اســت ؛در گروی بازار هنر و سرمایه‌داری بوده و نباید نادیده بگیریم که همین زمینه‌های یاد شده و مهاجرت سرمایه‌ها از ایران تا چه اندازه موجب ناتوانی اقتصاد هنر ایران در دوره قاجار و بالطبع پس ازآن گشــت؛ مانند خروج فرقه اســماعیلیه (به تحریک کنسولگری بریتانیا) و خروج تجاوز بزرگ ارمنی از ایران و غیره. مدتی از این خروج نگذشــت که فرقه اسماعیلیه یکی از بزرگترین بنیادهای فرهنگی هنری جهان را تأسیس نمود و گلبنگیــان تاجر نام‌آور جهان کــه ارامنه ایران بود، مجموعه‌ای کم‌نظیر از آثار موزه «ارمیتاژ» را (در یک تنگنای مالی دولت وقت) برای نشنال گالری واشنگتن خرید و اکنون بنیاد و موزه «گلبنگیان» در کشور پرتقال یکی از مراکز مهم هنر جهانی است.

با تغییر نظام خاندانهای کهن ایرانی، بعد از تاریخ مغول و با فروپاشی صفویه و استقرار دوباره نظــام ایلاتــی در ایران، موضوع حمایت خاندانهای اشــراف از دودمانهــای هنرمند نیز دچار ناهنجاری می‌شود. در قاموس نظام ایلیاتی حمایت از صنعتگر و هنرمند وجود ندارد، و بسیار طول می‌کشد تا بدین باور برسند. فتحعلی‌شاه به تقلید از تاریخ کهن ایران می‌خواست چنین کند (چون او هم ســخت فرهنگ ایلی داشــت) و یا ناصرالدین شــاه پس از بازگشت از سفر دوم فرنگستان با دیدن موزه‌ها و مراکز هنری اروپا تصمیم گرفت با بازسازی و توسعه قسمتی از کاخ گلســتان موزه‌ای ایجــاد کند. بدین منظور تقاضای وامی از بانک شــاهی نمود. ترفند ناصرالدین‌شــاه در برابر بازار گرمی‌ها و کرشــمه های بانک شاهی ایران و انگلیس آن بود که بانک اســتقراضی ایران و روس را به رقابت وادار کند، اما او هم نمی‌دانست که سرمایه داری در چه عرصه‌ای گام نهاده اســت، چنانچه اســناد تاریخی نشان می‌دهد؛ هر دو بانک روسی و انگلیســی متعلق به یک خانواده بود، اما در دو کشــور مســتقر، یعنی دو خاندان خویشاوند و زرســالار (گوئنزبرگ) و (پولیاکوف). همان خاندانی که (آبزایابرلین) فیلســوف و نظریه‌پرداز بزرگ معاصر نواده آنهاست. »[۳]

---

۳ – دادبه، آریاسب ،روح زمان وروح هنر قاجار،حرفه هنرمند ،شماره۱۳

نقاشی قاجار

آنچه در جهان به نقاشـــی قاجار معروف شده است در واقع نه با آغاز سلطنت آقا محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۰ ه ق . بلکه با دوران پادشاهی کریم خان زند ، چهل و چند سالی زودتر ، شـــروع می شود . بین آثار نقاشـــان زند و قاجار مرز هنری مشخصی وجود ندارد ، هر چند که بین آثار اینان و آثار هنرمندان مکتب بزرگ قبلی، نقاشـــی صفوی ، تفاوتهای قابل ملاحظه یی موجود است . بهترین نقاشان دربار کریم خان زند ، بعداً از شیراز به تهران رفتند و هسته مرکزی هنرمندان دربار قاجار را تشـــکیل دادنـــد و در واقع در هر دو دوران زند و قاجار کار کردند .

در بررســـی نقاشی قاجار نکاتی به چشـــم میخورد که نگارنده سعی دارد به اختصار به آن ها بپردازد:

«۱ –کثرت پرده های رنگ و روغنی به اندازه های نسبتاً بزرگ است ، مثلاً ۷۰×۱۵۰ سانتیمتر یا ۹۰×۱۹۰ ســـانتیمتر یا ۸۰ × ۱۲۰ ســـانتیمتر . استفاده از رنگ و روغن در قدیم ایران مرسوم نبود و از قرار معلوم برای نخســـتین بار در دوران صفویه ، در قرن یازدهم ، از طریق نقاشـــان اروپایی به ایران رســـید . ولی مدتی ، شـــاید حدود یک قرن ، طول کشـــید تا این شـــیوه میان نقاشان ایرانی رواج یافت ، و کم کم از شیوه های دیگر نقاشی جلو افتاد . در هنر قاجار نقاشی رنگ و روغن ، نقاشی زیر لاک (قلمدان سازی) ومینا کاری متداولترین انواع نقاشی از لحاظ استفاده از مصالح و تکنیک هستند»[۴]

«۲ –تصاویر پادشاهان ، چون پرده بزرگ کریم خان زند و ملازمان که در بنای هشت ضلعی کلاه فرنگی معروف به آرامگاه کریم خان در شیراز نگاهداری می شود ، امضای جعفر را دارد . یا تصاویر متعددی که از فتحعلیشاه به صورت پرده رنگ و روغنی و یا نقاشی روی ظرفهای مینا کاری به دست ما رسیده است»[۵]

«۳ – پرترهٔ شاهزادگان و رجال و اعیان مملکت»[۶]

«۴ –تصویـــر زنان؛ نه تصویر بانوان حرم، بلکه تصویر زنان بزم افروز ، رقاصه ها ، نوازنده ها و حتی زنان اکروبات‌باز که همیشـــه در نهایت زیبایی و طنازی ، طبق برترین آرمانهای زمانه نقاش تصویر می‌شـــده اند،در آن دوران زیبایی مطلوب عبارت بود از: صورت گرد،چشـــمان

٤.**امامی، کریم ،نگاهی به نگارگری ایران در سده های ۱۲و۱۳هجری قمری**
٥.**همان**
٦.**همان**

بادامی خمار ،ابروان پیوسته کمانی ، بینی باریک و دهانی به کوچکی غنچه گل و همه زنانی که در نقاشـــی های قاجار می بینیم به همین شـــکل صاحب جمالند . این پرده های بزمی را نقاش به ســـفارش رجال و اعیان وقت برای زینت اندرونها و طرب خانه ها می ســـاخته است و بســـاری از آنها درســـت به اندازه فضای بالای طاقچه ها و طاقنماها تهیه می شدند و از این رو تارک آنها جناقی شکل است .

زنان بزم افروز را در دو نوع دیگر از نقاشی قاجار به وفور می بینیم ؛ در نقاش روی قلمدان ها و جعبه های آرایش و در ظرفهای مینا چون کاسه ها و جامها و ابریقها . در واقع به علت وفور نقش زنان در این گونه نقاشیهای زینتی و بزمی ، می توانییم بگوییم که نقاشی قاجار در یک برداشت کلی، نوعی جلوه زنانه دارد . »[۷]

«۴ – پرده هایی که نمایش دهنده صحنه هایی از داستانهای معروف ایرانی است و در واقع با نقاشیهای مینیاتور که کتابهای نفیس خطی را مصور می کرده اند خویشاوندی نزدیک دارند : پرده هایی چون آب تنی شیرین در چشمه.داستان معروفی که در دوران قاجار بارها تصویر شده است؛ داستان یوسف و زلیخاست ، که همیشه یوسف را در لحظه ورود به مجلس زلیخا نشان می دهد و در این حال بانوان حاضر در مجلس همه دستهای خود را به جای ترنج بریده و مدهوش به کناری افتاده اند .»[۸]

«۵ –در جمـــع پـــرده های قدیمی تر قاجار کمتر به صحنـــه های رزمی و قهرمانی مثلاً از نوع دلاوریهای رستم برخورده است و همین نکته در ذهن او تصویری را که از جلوه زنانه قاجار دارد تشدید می کند . »[۹]

«۶ – پـــرده هایـــی از نوع طبیعت بیجان با اضافه کردن دور نمایـــی در عقب وگاه با افزودن حیوان یا پرنده ای دست آموز در یک گوشه . و یا دورنماهایی که اغلب از مخلوط کردن یک رودخانه ، یک پل ، یک قطعه ، چند درخت و یک کوه به دست آمده است . ولی باید گفت که نقاشان اوایل دوران قاجار رویهمرفته، مهارت زیادی در دورنماسازی نداشته اند .»[۱۰]

«۷ –صحنه های کارزار : یا به صورت پرده های بســـیار بزرگ که متأســـفانه ســـالم به دست ما نرســـیده اند و یا به صورت مینیاتور در بالا و اطراف جعبه های چوبی . این نقاشـــی ها نیز

---

۷. پاکباز، روئین. نقاشی ایران، تهران، نارستان، ۱۳۷۹.
۸.همان
۹.همان
۱۰.همان

در واقع گروه مهمی را تشـــکیل نمی دهند و کم و بیش تقلیدی از سرمشـــقهای صفوی کاخ چهلســـتون هســـتند : جنگ مغلوبه است ، توپها می غرند و دشمن شکست خورده است و از مقابل نیروهای ایرانی می گریزد .

نقاشـــی واقعی دوره قاجار از قرن هیجدهم میلادی مخصوصاً توسط گروه نقاشان در دربار کریم خان زند آغاز گردید . محتملاً چند تن نقاش دربار کریم خان هسته مرکزی گروه نقاشان آن دوره را تشـــکیل داده و سبب گســـترش نقاشی رنگ روغن بوده اند که در این دوره رواج بیشـــتری پیـــدا کرده بود . مینیاتور هم در قالب تازه ای تجدیـــد حیات گردید و ترکیبی یافت از شـــیوه سنتی با پیرایه‌های کمتر و نرمش های کمتر و رنگ های کدرتر به اضافه تأثیراتی از نقاشـــی های مغرب زمین . نقاشـــان این دوره بیشتر به تصویر شاهزاده ها و مجلس بزم دربار و درباریان دوره خود می پرداختند تا به نقش داســـتان هایی از حماســـه ملی ؛ شـــکل و سبک نقاشی زندیه در دوره قاجاریه پخته شد و جا افتاد .

اوج هنر نقاشی رنگ روغن دوره زندیه در زمان فتحعلی شاه قاجار است؛ به خصوص که شخص شاه یکی از دوستداران و مروجّان نقاشی بود . نقاشی های پس از مرگ فتحعلی شاه همگی تکرار همان شیوه و تکنیک اولیه بوده است . به طور کلی فتحعلی شاه را می توان هنر دوســـت ترین شـــاه قاجار به حساب آورد . هنر نقاشی دوره قاجار را در دو گروه بررسی می کنیم : ***هنر نقاشی اشرافی و هنر نقاشی عامیانه .***

گروه اول هنر ***نقاشـــی اشـــرافی*** : شـــامل مقدار نســـبتاً زیادی تابلو رنگ و روغن است از نقاشان بزرگ این دوره و مقدار کمی نقاشی آبرنگ که اغلب کار میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنیع الملک) نقاش بزرگ این دوره اســـت و تقلید از مغرب زمین می باشـــد . کاملترین و با ارزش ترین مجموعه نقاشـــی رنگ و روغن که از این دوره باقی مانده مجموعه «امری» است که شـــامل «۶۳» نقاشـــی رنگ روغن است . ســـرگرد هراکه امری و برادرش لئوپولدامری این تابلوهـــا را گـــرد آوری کرده بودند از آن جا که پدر آن ها در خدمـــت اداره ماوراء دریاهای انگلســـتان بود این دو برادر نسبت به هنر ایران علاقمند شدند . بین سال های ۱۹۰۰ و ۱۹۱۴ بود که ســـرگرد امری اولین نقاشـــی از این سری را خریداری کرد و پس از کشته شدن او در

جنگ جهانی اول برادرش لئوپولد به خرید و جمع آوری نقاشـــی های دوره قاجار ادامه داد . متاســـفانه معلوم نیســـت این نقاشی ها در چه زمانی و از چه نقاطی بدست آمده است؛ بعضی از این نقاشی ها دارای امضاء نقاش و بعضی دارای تاریخ میباشند که از روی آن ها تا حدی می توان به تاریخ نقاشـــی های دیگر این مجموعه پی برد . محمد صادق نقاش مشـــهور این دوره دو تابلو از مجموعه امری را امضاء کرده است . علاوه بر آن چند نقاشی با همان مکتب و سبک در این مجموعه دیده می شود که یاکار خود او و یا کار شاگردان مکتب او می باشد. شـــاید که عالیترین نقاشی در این مجموعه تابلوی تمام قد فتحعلی شاه باشد که با تمام جلال و جبروت در لباس رســـمی و غرق در جواهرات دیده می شـــود .این تابلو دارای امضاء مهر علی اســـت و در سال ۱۸۱۳ نقاشی شده است و ظاهراً بهترین اثری است از نقاشی مزبور که گویا نقاش دربار بوده ، بجای مانده اســـت . این تابلو از ترکیبی عالی بهره مند اســـت و طرز ایستادن شاه که یک دست خود را بالا آورده و دست دیگر را به کمر گذاشته عظمت و وقار خاصی به این تابلو بخشـــیده اســـت . مقدار زیادی از این نقاشی ها پرتره دختران است واین پرتره ها اثر نقاشـــی اســـت به نام ابولقاســـم که در تاریخ ۱۸۱۶ می زیســـته است . این نقاش اشـــراقی در زمان سلطنت فتحعلی شـــاه در اوج تکامل خود بوده است . فتحعلی شاه گروهی نقاش در دربار اسکان داده بود . که نقاشی هایی به اندازه طبیعی از او و خانواده پر جمعیتش و از خوانندگان و رقاصان متعدد عهده دار تفریحش ترسیم می کردند و نقاشان بزرگی چون میرزا بابا ،محمد صادق ، مهر علی ، محمد حســـن ، ســـید میرزا و انبوهی دیگر از این جمله اند .با آغاز ســـلطنت محمد شاه ***نقاشی اشرافی*** به سیر قهقرایی افتاد . تأثیر نقاشی اروپایی به حدی محسوس گردید که پس از سفر ناصرالدین شاه به اروپا ، برخی از نقاشی های ایرانی را مشـــکل می شد از آثار مکتب ویکتوریایی انگلستان تمیز داد . با این همه چند نقاش برجسته چون میرزا ابوالحسن خان شیرازی ، لطفعلی شیرازی ، محمد حسن افشار و چند تن دیگر در دو دوره وجود داشته اند . اصول هنر اروپایی بیگانه تر از آن بودکه نقاشی ایرانی بتواند آن را بدون از کف دادن شـــخصیت خود به کار بندد و از این زمره اســـت تلالو رنگ ها که همواره نقاشان ایرانی این دوره را مجذوب خود ساخت . نقاش این دوره با قرار دادن انسان در مقام موضوع اصل پژوهش های ترســـیمی و تصویری خود ، صرفاً از بینش نیاکان پیروی می کند

. جهـــان حیوانات و نباتات ، و نیز تزئینات معمـــا گونه در نظر نقاش این دوره اهمیت ثانوی دارد . مســـاله نور هم مطرح نبوده اســـت . در کار نقاش این دوره اثری از نوازش زرین اشعه خورشـــید بر چهره و تن آدمی نیســـت . نمایش انسان در تابلوها همواره به صورت ۳/۴ و به ندرت از تمام رخ صورت می گیرد . در این نقاشـــی ها آســـمان گاهی خالی گذاشته می شود ولی اکثراً پوشـــیده از ابرهایی به شیوه غربی است . در حالی که در سراسر دوره صفوی شیوه ابرها منشأچینی داشت و نقاشی ایرانی آن را از شروع استیلای مغول به کار گرفته بود ،راجع به نقاشـــی اشرافی بحث خود را خاتمه می دهیم و چند کلمه‌ای درباره‌هنر نقاشی‌عامیانه این دوره صحبت‌می‌کنیم .

نقاشی عامیانه

این هنر عامیانه‌را هم به صورت نوعی نقاشی به نام «نقاشی قهوه خانه ای» که ریشه مذهبی داشته است ؛بر دیوار قهوه خانه ها مشاهده می کنیم و هم در ابعاد کوچک برای نقاشی کتاب هایی مثل امیر ارســـلان و ورقا و گلشاه و داستان حیدر بیک و غیره.این هنر متأثر از تحولات اجتماعی دوره قاجار اســـت که مهمتر از همه انقلاب مشـــروطه خواهی می باشـــد . اگر چه نقشهایی که از داستان های شاهنامه از ابتدای دوره قاجار تا آغاز جنبش مشروطه طلبی ، پس از قرن ها ســـتمگری و حقارت و سکون سراسر کشور را فرا گرفت .معمولاً در چنین وضعی هنر به تندی شـــکل و ســـبک عوض می کند تا با اندیشـــه نو و آیین نو هماهنگ شـــود ، ولی چون به وجود آمدن قالبی نو که قابل تطبیق باشد با جنبش آزادیخواهی مردمی که به نهادهای متوفی اجتماعی جهان؛ آشنایی درستی نداشتند ؛بزودی امکان نداشت . ناگزیر آرمان های ملی در قالب شـــیوه ســـنتی نقاشی، بصورت نقش هایی از حماسه ملی ارائه شد. نقش هایی که از داستان های شاهنامه، در گره گرم مشروطه خواهی بوجود آمد ، برای اولین بار در تاریخ هنر نقاشـــی ایران ، به ارضای اشرافیت و زینت کاخ ها و تالارها و صفحات کتاب ها ساخته نشد و نه برای نقش آزمایی وتفنن، بلکه این بار پیامی در بر داشت که از مردم گرفته بود و با تمام معنایی که در ذرات خود می پرورید ، به مردم گرائید .»[۱۱]

«نام ***نقاشـــی قهوه خانه ای*** به این خاطر اســـت که؛ نقاشـــان پای گفتگوی نقال ها در قهوه

۱۱. پاکباز، روئین. نقاشی ایرانی از دیرباز تا کنون، تهران، نارستان، ۱۳۷۹.

خانه می نشستند و از روی داستانهایی که می شنیدند ، تابلویی بوجود می آوردند و اکثراً این تابلوها در همان قهوه خانه ها برای تزئین نصب می گردید. در نقاشی قهوه خانه ای مایه هایی از «مینیاتور» را می توان یافت . مثل آن که میان شعرهای فارسی والا و داستان هایی که به نثر پرداخته شده ، رابطه ای موجود است و بهمان صورت که نقل و داستان سرایی قهوه خانه در نقطه اوج خود از شـــعرکمک می گیرد . گاه تابلوهای قهوه خانه ای نیز نقطه ای و حالتی به ظرافت و نازک خیالی مینیاتور پیدا می کند و البته همیشه چنین نیست .

نقاش قهوه خانه به طور ناخودآگاه علاقه خودش را به قهرمان تابلو با مقدار سطحی که به قهرمان می دهد نمایان می سازد .»[۱۲]

درباره نقش های عامیانه کتاب ها ، این کتاب ها را بر حســـب موضوع به چند گروه می توان تقسیم کرد :

ماجراهای قهرمانی خیالی مثل خسرو دیوزاد ، داستان های رستم .

داستان های اخلاقی، مثل زاهد و لوطی

داستان های فکاهی مثل جولاه و نجار ، خانه سوسکه ، سلیم جواهری ، چهار درویش، داستان های عاشقانه مثل ورقه و گلشاه .

داستان های حیوانات مثل موش و گربه ، حکایت روباه ، گرگ و روباه

یکی از نقوش معروف این کتاب ها نقش دیو اســـت . درباره نقش دیو به نظر می رســـد ،که ایرانیان از زمان های قدیم یعنی آن هنگام که مذهب باســـتانی آن ها ، جهانی ســـفلی را محل شیطان و ارواح خبیثه می دانست ؛هر گونه تفننی را برای ابداع نقش این موجودات کم و بیش دیو مانند ،آزاد دانسته اند . برخی به شکل حیوانات خیالی و پاره ای به هیئت ملائک است . دیوهایی هم که بر دیوار حمام ها نقش ها نقش می کردند تا ارواح خیبثه را که در این اماکن گرم و تاریک رفت و آمد می کردند ، بهراساند . »[۱۳]

۱۲.آغداشلو،آیدین ،مقدمه ای برنقاشی قاجاری ،حرفه هنرمند ،شماره ۱۳